

راهکارهای فقهی دریافت مهریه در اسلام

رقیه بتول^۱، فاطمه سیفی^۲

چکیده

مهریه برای کمک به تثبیت و تحکیم پیوند زناشویی است، اما امروزه یکی از معضلات بزرگ اجتماعی و وسیله رسیدن برخی به مقاصد مالی و مانع تحقق یافتن ازدواج‌ها شده است. نوشتار حاضر باهدف تبیین راهکارهای فقهی دریافت مهریه در اسلام و آگاه‌سازی زوجین نسبت به این مسئله به‌روشنی توصیفی-تحلیلی و بااستفاده از منابع فقهی گردآوری شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که این عطیه و پیشکش نشانه‌ای از صداقت مرد نسبت به زن است. اسلام مهریه را پشتوانه محکم حقوق اجتماعی زن می‌داند درحالی که در عصر جاهلیت هیچ‌گونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند. بنابراین، قرآن رسوم جاهلیت را درباره مهر، منسوخ و آن را به حالت اولی و طبیعی برگرداند.

واژگان کلیدی: فقه، مهریه، اسلام، حق حبس.

۱. مقدمه

مهریه نوعی مال معلوم در هنگام عقد، مخصوص زنان و امری شرعی و قانونی است و زن در هر شرایطی می‌تواند مالک آن باشد. تعبیر قرآن از مهریه، صداق است. صداق بآنکه متضمن بار حقوقی است پایه‌ای اخلاقی دارد؛ زیرا مؤید صداقت و ابراز وفاداری زوج در برابر زوجه است که

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: roqiyabatolbalti@gmail.com

۲. مربی گروه علمی- تربیتی فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Aahoophbh@gmail.com

آن را به صورت هدیه و پیشکش به زن تقدیم می‌کند. فلسفه مهریه از دیدگاه اسلام این است که مهریه وسیله‌ای برای لذت‌بخش کردن زندگی و عاملی قوی برای الفت بین زن و شوهر است. مهریه برای جبران نقص ارث زن، وسیله‌ای برای تأمین زندگی آینده او، جلوگیری از طلاق‌های بی‌مورد، اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد و وسیله‌ای برای اثبات پایداری و علاقه مرد به اتحاد با زن است. مهریه برای ابراز اهمیت عقد، ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن و اظهار حسن‌نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او و زمینه‌ای برای دوام معاشرت و زندگی زناشویی است نه بهای زن. شأن و شخصیت زن بسیار بالاتر از آن است که با مال و مانند آن معامله شود. از این رو، هیچ‌کس نمی‌تواند خود یا دیگری را در برابر مالی بفروشد.

انسان همیشه طرف حق است نه موضوع حق. در خرید و فروش، قیمت باید هنگام معامله تعیین شود وگرنه قرارداد باطل است، اما در نکاح، تعیین مهر شرط صحت قرارداد نیست. ممکن است نکاح بدون تعیین مهر واقع شود که در این صورت زن مستحق مهرالمثل خواهد بود. در سال‌هایی که در قانون کشورهای اسلامی موضوع مهریه وارد شده است هرکس به نوبه خود خواسته موضوعی را درباره مهریه بررسی کند. عده‌ای شاید منافع مردانه را در نظر گرفته‌اند و عده‌ای دیگر نگاهی فمینیستی به این موضوع داشته و فقط حق زن را در نظر گرفته‌اند. مقاله حاضر مهریه و انواع آن را به صورت منصفانه و بی‌طرفانه بررسی کرده و سعی دارد خواننده را با واقعیت‌هایی درباره مهریه آشنا کند. درباره عبارت مهریه آثار مکتوب و متنوعی نوشته شده است مانند کتاب بررسی مبانی فقهی و حقوقی نحوه مطالبه مهریه نوشته داود بصارتی در سال ۱۳۹۴؛ مقاله مهریه، عندالمطالبه یا عندالاستطاعه از سید محمدرضا امام و سید محمد رضوی در سال ۱۳۸۸. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و در محدوده فقه با استفاده از منابع فقهی به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- راهکارهای فقهی دریافت مهریه در اسلام چیست؟

- مهریه چیست؟

- معنای مهریه در لغت و اصطلاح؛

- مهریه از نظر قرآن و حدیث چیست؟

- اقسام مهریه کدامند؟

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. مهر در لغت

مهر در لغت به معنای عوض است. (معلوف، ۱۹۹۲، ذیل کلمه مهر) برای مهر کلمات مترادف زیادی به کار رفته مانند صداق که نشانه راستین بودن علاقه مرد است (مطهری، ۱۳۸۱)، نخله (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳/۲۳۰؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۳/۹۷۷)، فریضه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) اجر و صدقه (جوهری، ۱۴۱۰، ۴/۱۵۰۵؛ اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۴، ۳/۴۸۵) و ... در فارسی به مهر، کابین می‌گویند (محقق داماد، ۱۳۸۲).

۲-۲. مهر از دیدگاه فقها

علامه حلی در تعریف مهر می‌گوید: «مهر عوض بضع است که زن به واسطه عقد نکاح آن را تملیک می‌کند». (حلی، ۱۳۶۳) فقیه دیگری در تعریف مهر می‌گوید: «آن چیزی که زن و مرد روی آن توافق می‌نمایند، مهر است؛ آنچه برای آن قیمت است چه کم باشد چه زیاد» (طوسی، ۱۹۸۰). برخی دیگر از فقها این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مهر مالی است که در مقابل وطی غیر از زنا به زن پرداخت می‌شود نه اینکه زن کنیز باشد یا به واسطه عقد نکاح یا تقویت قهری بضع (اگر کسی سبب تقویت بضع شود، ضامن است) در بعضی حالات مانند ارضا (برای مثال اگر مادرزن، نوه دختری خود را شیر دهد دخترش به شوهرش حرام می‌شود و چون تقویت بضع کرده است باید مهر را بدهد)؛ رجوع شهود: شهودی شهادت دادند که این مرد با این زن ازدواج کرده و مهر را از زوج گرفته و به زن دادند؛ حال اگر شهود از شهادت خود برگردند چون تقویت بضع کرده‌اند باید مهر را به زوج بدهند» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲/۳۱).

۳. فلسفه تعیین مهر از نگاه اسلام

وجود مهریه تنها جنبه مادی و اقتصادی ندارد، بلکه بسیاری از ابعاد معنوی و تربیتی که حاکی از پیوند محبت، عشق، بقا و تکامل بوده نیز در نظر گرفته شده است. برای روشن شدن هویت معنوی مهر باید برخی دستورات آسمانی درباره تعیین صداق و تبیین مهر در احادیث بررسی شود. برای نمونه اولین کابینی که برای مبدأ نسل کنونی بشر یعنی، نکاح آدم و حوا علیهم السلام معین شد آموزش احکام بود. زراره در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «خداوند به حضرت آدم علیه السلام فرمود: رضای من آن است که معارف دین مرا به او بیاموزد، آدم علیه السلام گفت: قبول کردم». گاهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله صداق برخی اصحاب را تعلیم سوره‌ای از قرآن قرار می‌داد (جوادی آملی، ۱۳۷۸).

۳-۱. اهمیت مهریه در قرآن

در قرآن آیات بسیاری بر مهریه دلالت می‌کند: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا؛ و مهرهای زنان را با میل قلبی و به‌عنوان هدیه بدهید (اگرچه فریضه واجب شما و عطیه الهی آنهاست) و اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما ببخشند آن را نوش و گوارا مصرف نمایید». (نساء: ۴) در آیاتی نیز از مهریه به‌اجر یاد شده است از جمله: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ؛ ای پیامبر (فعلاً هفت طایفه از زن‌ها را) بر تو حلال کردیم: آن همسرانت را که مهر آنها را پرداخته‌ای و...» (احزاب: ۵۰). «فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَدْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید و مهرشان را به خودشان بدهید» (نساء: ۲۵). در مورد میزان مهریه هم در آیات سخنی از محدودیت نیست. در آیه‌ای آمده است: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بِهَتَانَا وَ إِنَّمَا مَبِينَانَا؛ و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوان (به‌عنوان مهر) به او پرداخته‌اید چیزی از آن را پس نگیرید. آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید» (نساء: ۲۰).



۳-۲. اهمیت مهر در روایات

صحیح حلی روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره زنی سؤال شد که خود را بدون مهر به ازدواج مردی درآورد. امام علیه السلام در جواب فرمود: این ازدواج برای نبی صحیح است نه غیر نبی، مگر برای زن پیش از آنکه دخول صورت گیرد چیزی عوض قرار داده شود، کم باشد یا زیاد.» (نجفی، ۱۴۰۴، ۵۰/۳۱) امام رضا علیه السلام فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله زنی را به ازدواج مردی درآورد با مهریه تعلیم سوره‌ای از قرآن، یک درهم و یک گندم» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۳/۱۵).

۴. اقسام مهریه در فقه شیعه و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. مهر المسمی

مهری است که میزان آن هنگام عقد نکاح معین و از آن نام برده می‌شود. (فیض، ۱۳۷۵) هر چیزی که در ملک انسان درآید، می‌تواند مهر واقع شود مانند اعیان، منافع، دین، منافع حر (مثل عمل حضرت موسی علیه السلام و حقوق قابل انتقال) (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۸/۶).

۴-۲. مهر المثل

مهری است که مقدار آن با رعایت حال زن از نظر شرافت و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال، بستگان، نزدیکان و همچنین محل زندگی و... در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر مهریه‌ای مثل مهریه زنان هم‌شأن و هم‌ردیف او. (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۲۵۹/۱) مبنای فقهی مهرالمثل روایاتی است که در آن «لها صدق نساءها» وجود دارد. فقها به استناد این مضمون معتقدند که در تعیین مهر، ویژگی‌های اخلاقی، خانوادگی و ارزش‌های علمی از نظر داشتن مدارک علمی و هنری و یا معیارهای جسمانی، سن، زیبایی، بکارت و هرآنچه در عرف، مایه افزایش مهر و یا کاهش آن است باید مورد توجه قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۲).

۴-۳. مهر الممتعه

در ماده ۱۰۹۳ ق.م.آ.مه. آمده است: «هرگاه مهریه در عقد ذکر نشده باشد و قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالممتعه است». منظور از آن تعیین مهریه باتوجه به

وضعیت مالی و دارایی‌های مرد از نظر غنا و فقر است. پرداخت مهرالتمعه نزد فقهای امامیه الزامی است (نجفی، ۱۴۰۴، ۵۱/۳۱). مهرالتمعه در صورتی به زن داده می‌شود که پیش از نزدیکی، مرد زن را طلاق دهد. اگر جدایی در اثر فوت یکی از زوجین یا خیار فسخ یا درخواست طلاق از طرف زن صورت گیرد زن حق مطالبه مهرالتمعه را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۱۵۱/۱).

۵. انواع شرط ضمن عقد برای دریافت مهریه

۵-۱. عندالمطالبه

مهریه نشانه صداقت و صمیمیت مرد نسبت به همسرش است و سنت پسندیده‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به آن عمل می‌کرد. آنچه هنگام عقد در قالب بدهی و دین بر گردن زوج قرار می‌گیرد تا به مجرد مطالبه زوجه پرداخت شود به صورت عندالمطالبه است. عندالمطالبه بودن مهریه یعنی، به مجرد امضای عقدنامه، زن می‌تواند با مراجعه به محاکم و دادگاه‌های خانواده یا مراجعه به اجرای ثبت، مهریه یا قسمتی از مهریه را بگیرد. (محمدی، بی‌تا)

۵-۲. عندالاستطاعه

در این شرط دختر به اختیار می‌تواند با آن موافقت کند و آن را بپذیرد و یا مخالفت کند و نپذیرد. عندالاستطاعه بودن مهریه یعنی، زن زمانی می‌تواند مهریه خودش را مطالبه کند و مرد را ملزم به پرداخت آن کند که استطاعت پرداخت مهریه را در زوج ببیند؛ یعنی مرد توان پرداخت داشته باشد. اگر مرد توان پرداخت نداشته باشد زن این حق را ندارد. در شرایطی که مرد توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد زن ابتدا درخواست خود را به دادگاه تقدیم می‌کند و پس از بررسی اموال مرد توسط بازرسان دادگاه و اثبات عدم توانایی مالی مرد برای پرداخت مهریه، مهریه تقسیط می‌شود. (محمدی، بی‌تا) گاهی افراد فکر می‌کنند مهریه عندالاستطاعه زندان دارد. در این مورد باید گفت که چنانچه مرد با وجود داشتن استطاعت مالی از پرداخت مهریه حتی به صورت اقساطی امتناع کند توسط دادگاه بازداشت می‌شود؛ زیرا این کار فرار از دین مهریه عندالاستطاعه است و مجازات مربوط به خود را دارد (محمدی، بی‌تا).



۶. راهکار دریافت مهریه قبل از عروسی

۶-۱. مهریه قبل از دخول و نزدیکی

از همان لحظه عقد نکاح، مهریه تعیین شده به ملکیت زن درمی آید و شوهر موظف به پرداخت آن می شود. بنابراین، مهریه قبل از دخول به زن تعلق می گیرد. میزان مهریه قبل از نزدیکی، تمام مهریه تعیین شده است مگر اینکه زن قبل از دخول و نزدیکی طلاق بگیرد. در این صورت میزان مهریه زن نصف می شود. شیوه مطالبه مهریه قبل از نزدیکی به این صورت است که زوجه ابتدا به صورت ثبتي، اقدام به توقیف اموال مرد می کند و در صورت عدم وصول، دادخواست مطالبه مهریه خود را به دادگاه خانواده می دهد. (بی نا، بی تا)

۶-۲. حق حبس

حق حبس، اصطلاحی فقهی و حقوقی است. حق حبس یعنی، حق خودداری یک طرف عقد از اجرای تعهد خود تا طرف دیگر تعهد خود را اجرا کند. حق حبس در فقه و حقوق به انگیزه تعدیل و تنظیم روابط دوسویه یک تعهد و مقرر داشتن نوعی ضمانت اجرا در صورت امتناع یک طرف از اجرای تعهد خود در قراردادهای مُعَوَّض منظور شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۸۷/۴) ماهیت حق حبس در نکاح مانند سایر عقود، نوعی دفاع است که زوجه با اعمال آن می تواند تا زمانی که زوج از پرداخت مهر امتناع می کند از تمکین خودداری کند (بصارتی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲). هر چند در عقود دیگر، طرفین حق حبس دارند، ولی در عقد نکاح تنها زوجه حق حبس دارد؛ زیرا آنچه در مقابل مهر قرار می گیرد (بضع) پس از زوال جبران نمی شود، ولی چنانچه زوج مهریه را بپردازد و زوجه تمکین نکند خود مهریه یا مثل یا قیمت آن قابل بازگرداندن است (بصارتی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲).

با این توضیحات مشخص می شود در عقد نکاح نیز حق حبس، حقی ذاتی نیست؛ زیرا از ابتدا قابل اجرا نیست و زوجه تنها در صورت عدم پرداخت مهر از سوی زوج می تواند از حق حبس خود استفاده کند و این در صورتی است که زوجه تا آن زمان تمکین نکرده باشد. (جوکار، ۱۳۸۷، ص ۳۵) در فرض استفاده زن از حق حبس، زن می تواند از مطلق تمکین خودداری کند. زن همچنین

می‌تواند از تمکین اخص (خصوصاً مواقعه) و تمکین خاص (استمتاع مادون دخول) یا حتی از تمکین عام (مثل سکونت در منزل زوج) خودداری کند (حبیبی تبار، ۱۳۹۸، ص ۴۲).

۷. راهکار دریافت مهریه بعد از ازدواج

مهریه چه عندالمطالبه باشد و یا عندالاستطاعه نوعی دین بر ذمه مرد است. در دوران زندگی مشترک، زن براساس قانون مالک تمام مهر است و می‌تواند حتی اگر دوشیزه باشد تمام مهریه را تقاضا کند. یکی از حقوق مالی زن که به هیچ وجه ساقط نمی‌شود، مهریه است. مطالبه مهریه پس از طلاق هم امکان‌پذیر است. پرداخت مهریه هیچ ملازمه‌ای با طلاق ندارد و زوجه می‌تواند پس از اجرای صیغه طلاق هم برای مطالبه مهریه اقدام کند. (محمدی، بی‌تا)

۸. احکام کلی مهریه

۸-۱. صحت نکاح دائم بدون مهریه

در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است: «اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند. اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل است. اگر بعد از تفویض مهر، احد زوجین یا ثالث با شرایط مربوط مهریه را تعیین کنند این مصداق مهرالمسمی است و اگر قبل از مواقعه، شوهر، زن را طلاق دهد مصداق مهرالمتمعه می‌شود. اگر احد زوجین قبل از مواقعه فوت کند، زن مستحق هیچ‌گونه مهریه‌ای نیست». (محمدی، بی‌تا) ازدواج بدون مهریه صحیح است، اما مهرالمثل توسط قانون‌گذار برای زن تعیین می‌شود؛ یعنی دادگاه براساس حال و روز و شرایط خانوادگی فرد برای وی مهریه تعیین می‌کند. بنابراین، بهتر است اختیار کار دست خود فرد باشد.

۸-۲. تفویض مهر

مراد از تفویض مهر این است که در ضمن عقد نکاح، اختیار تعیین مهریه را می‌توان به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار کرد که در این صورت به زن، مفوضه‌المهر می‌گویند. (بی‌نا، بی‌تا)



۸-۲-۱. احکام تفویض مهر

- اگر اختیار به مرد داده شده باشد، می‌تواند هر مقدار که بخواهد تعیین کند؛
- اگر اختیار به زن داده شده باشد، نمی‌تواند بیشتر از مهرالسنه تعیین کند. مهرالسنه، مهری است که پیامبر ﷺ برای همسران خود تعیین می‌کرد؛
- اگر اختیار به شخص ثالث داده شده باشد، می‌تواند مهر را هر قدر که بخواهد تعیین کند.

۹. نکات مهم درباره جایگاه مهریه

- مهریه در نکاح دائم به منزله عوض در معاملات عادی نیست. بنابراین، می‌تواند در نکاح دائم مهریه ذکر نشود و پس از عقد، زوجین بر امری توافق کنند یا پس از مهرالمثل به عهده زوج قرار گیرد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ۲/۲۹۸)

- در عقد نکاح، مهر باید برای زوجه قرار داده شود و نمی‌توان مهر را برای پدر و مادر او قرار داد و آنچه در برخی از خانواده‌ها مرسوم است که مبلغی را برای شیربها قرار می‌دهند، نمی‌تواند جزو مهر حساب شود و اگر جزو مهر قرار گیرد یعنی، پدر و مادر او را در مهر شریک کرده باشند فقط مقداری که برای زوجه معین شده است مهر محسوب می‌شود و مابقی باطل است و زوج الزامی به پرداخت آن ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۲۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷) اگر زوج از روی رضایت مبلغی را برای هدیه یا درمقابل زحمات انجام شده به بستگان زوجه پرداخت کند برای گیرنده حلال است، اما اگر از روی رضایت نباشد دریافت آن شرعاً حرام است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ۲/۲۹۸)

- مهری که هنگام عقد با توافق طرفین (زوجین) معین می‌شود (مهرالمسمی) از نظر حداکثری سقف محدودی ندارد و زوجین می‌توانند هر مقدار که بخواهند مهر را قرار دهند و از نظر حداقل تا آنجاکه چیزی صدق مال بر آن شود و قابل تملک باشد، می‌تواند مهریه قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵)، ولی بهتر است از مهرالسنه (پانصد درهم یا پنجاه دینار) تجاوز نکند.

- مهریه باید با توافق زوجین معین شود، پس چنانچه کسان آنها بر امری توافق کنند بدون توافق زوجین صحیح نیست.

- اگر مهریه عین نباشد یا مورد مشاهده نباشد باید خصوصیات آن از نظر کمی و کیفی ذکر شود تا رافع جهالت باشد. برای مثال اگر مهریه آموزش قرآن باشد باید معین باشد که آیا آموزش همه قرآن یا بعضی سوره‌ها مورد نظر است و سوره‌ها نیز مشخص شوند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰/۳۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ۲/۲۹۷)

- بعد از انجام عقد نکاح در مورد مالکیت مهر چند نظر وجود دارد: برخی از فقها معتقد هستند هم‌زمان با انجام عقد نکاح، زن تنها مالک نصف مهر می‌شود و با نزدیکی یا عوامل دیگر استقراردهنده مهر، تمام آن را مالک می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۰۸/۳۱) مشهور فقها معتقد هستند با انجام عقد، زن مالک تمام مهر می‌شود، ولی به طور متزلزل و با انجام عمل نزدیکی یا عوامل دیگر تمام آن مستقر خواهد شد (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۲/۱۰۰).

- اگر مهریه حال باشد زوجه می‌تواند مهریه را بلافاصله پس از عقد مطالبه کند و تا مهریه به او تسلیم نشده از انجام امور زناشویی خودداری کند و این امتناع باعث نمی‌شود حق نفقه زن ساقط شود. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴)

۱۰. نتیجه‌گیری

اگرچه پرداخت مهریه حکمی تأسیسی از طرف اسلام و هدیه‌ای از جانب شوهر به زن و حاکی از توجه ویژه به زن است، ولی باید توجه داشت درجه اهمیت آن به حدی نیست که ابزاری علیه زندگی زناشویی باشد. بنابراین، اگر زن پیش از دریافت مهریه از حق امتناع خود استفاده نکند کسی او را ملامت نمی‌نکند و یا اگر حق امتناع به صورت حق برای زن شناخته شده است نباید با یک بار آمیزش این حق را از او گرفت. از این رو، صرف برجسته‌سازی حق امتناع زن بدون توجه به کیفیت صحیح استفاده از این حق ممکن است باعث ایجاد نابسامانی در زندگی مشترک زناشویی شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۷). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۲. ابوالقاسم، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الكتاب.
۳. بصارتی، داود (۱۳۹۴). بررسی مبانی فقهی و حقوقی نحوه مطالبه مهریه. تهران: انتشارات مجد.
۴. بی نام (بی تا). تفویض مهر. dadgram.ir.
۵. بی نام (بی تا). مهریه قبل از دخول و نزدیکی. <https://www.heyvalaw.com>.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم. قم: نشر اسراء.
۷. جوکار، زهرا (۱۳۸۷). حق حبس زوجه، حقوق خصوصی. قم: دانشگاه قم.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح-تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم.
۹. حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۸). تشکیل خانواده ازمنظر فقه و حقوق موضوعه. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
حلی، یوسف بن علی بن مطهر (۱۳۶۳). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. مترجم: شعرانی، ابوالحسن. تهران: اسلامیه.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. سوریه: دار العلم.
۱۳. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۷). شرح المعه. مترجم: شیروانی، علی. قم: قدس.
۱۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۹۸۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب الاعربی.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۱۶. فیض، علی رضا (۱۳۷۵). مبادئ فقه و اصول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها. تهران: نشر دادگستر.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲). حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر اسلامی.
۱۹. محمدی، مسعود (بی تا). تفاوت های مهریه عندالمطالبه و مهریه عندالاستطاعه. dadgram.ir.
۲۰. محمدی، مسعود (بی تا). تعریف، احکام و مقررات حق حبس مهریه. dadgram.ir.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: صدرا.
۲۲. معلوف، لوئیس (۱۹۹۲). المنجد فی اللغة. بیروت: دار الشرق.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷). تحریر الوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.